

تاریخچهٔ پیدایی آموزش هنر نقاشی در مدرسهٔ دارالفنون در دورهٔ قاجار (قسمت سوم)

با بررسی اسنادی از قدیمی‌ترین معلم خارجی رشتهٔ
نقاشی در مدرسهٔ دارالفنون، جنارو گارجولو

● نیایش پورحسن* ● سیاوش پورحسن**

اشاره

در سال‌های ۱۲۷۶-۱۲۷۷ق. یک معلم نقاشی ایتالیایی به نام جنارو گارجولو^۱ برای تدریس هنر نقاشی به استخدام مدرسهٔ دارالفنون در آمد که سرگذشت زندگانی و فعالیت‌هایش به دلیل کمبود اسناد و مدارک به شدت مغفول واقع شده است. گارجولو چهار سال پیش از مسیو کنستان فرانسوی^۲ به ایران آمد و در آغاز دومین دورهٔ تحصیلی مدرسهٔ دارالفنون به تدریس نقاشی مشغول گردید. به همین دلیل او علی‌رغم مدت کوتاه اقامت و تدریس خود در ایران، به عنوان قدیمی‌ترین معلم رشتهٔ نقاشی در دارالفنون به شمار می‌رود. کتاب مرآت‌البلدان نوشتهٔ اعتمادالسلطنه از قرار معلوم نخستین و تنها کتاب چاپی در ایران است^۳ که از گارجولو نام برده و او را با تلفظ فرانسوی «مسیو گارژیلو ایتالیائی» به عنوان معلم نقاشی قدیم یاد نموده است. مقالهٔ حاضر با رویکرد تاریخی و شیوهٔ توصیفی و تحلیلی درصدد است که از لابه‌لای اسناد و مدارک داخلی و خارجی به روشنگری دربارهٔ این مقطع از تاریخ نقاشی ایران بپردازد.

1. Gennaro Gargiulo

۲. بنگرید به مقالهٔ نگارنده با عنوان: مسیو کنستان نخستین معلم نقاشی مدرسهٔ دارالفنون، فصل‌نامهٔ گنجینهٔ دارالفنون، سال ۴، شمارهٔ ۱۳، بهار ۱۴۰۰خ، صص ۳۵-۵۱

۳. تمامی کتب و مقالاتی که در ایران چاپ شده است و گارجولو را با عناوین گارژیلو، گارژیلو ضبط کرده‌اند، از کتاب مرآت‌البلدان اخذ شده‌اند.

* پژوهشگر و از اعضای کانون نویسندگان و منتقدان خانهٔ تئاتر ایران

E-mail: pourhassanniayesh@gmail.com

** مترجم و مدرس زبان ایتالیایی؛ دانشجوی اسبق دانشگاه سائپینزای رم

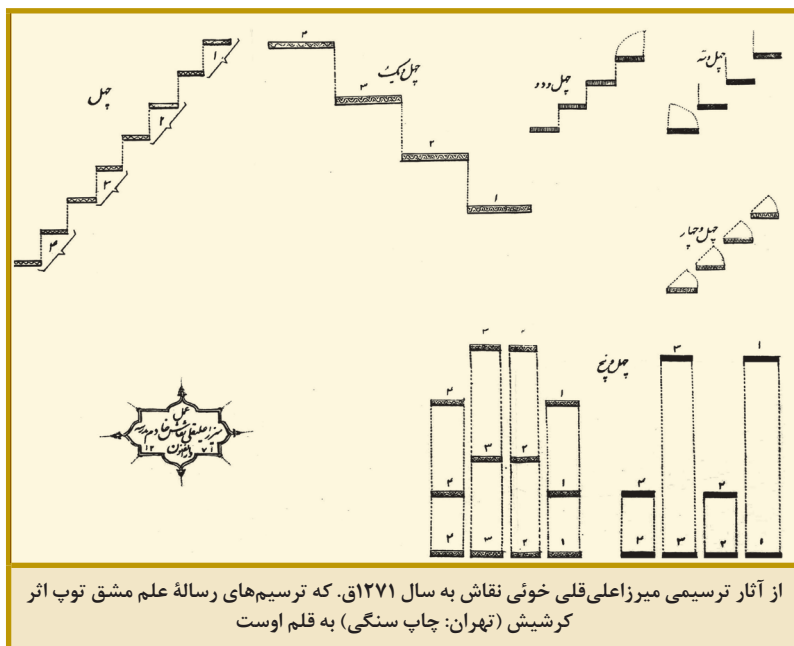
■ مقدمه‌ای بر چگونگی تأسیس رشته نقاشی در دارالفنون

در دوره نخست مدرسه دارالفنون (۱۲۶۸-۱۲۷۵ ق.) اساساً رشته مستقلی به نام نقاشی وجود نداشت و نقاشی بیشتر به عنوان ابزاری کمک آموزشی در تدریس و تصویرسازی کتب رشته‌های مزبور به کار گرفته می‌شد.

در گزارش‌های مربوط به این دوره، به دفعات واژگانی چون «نقاشی»، «رنگ آمیزی» و «نقشه کشی» در کنار یکدیگر به کار رفته‌اند و گاهی چنان درهم آمیخته شده‌اند که گویی هر یک معانی و کارکرد مستقلی دارند. از سوی دیگر، در همان دوره غالباً برای علم «نقشه کشی» و تمامی دروس هم جنس آن مانند «رسم فنی»، «ترسیم نقشه‌های جغرافی»، «هندسه نقوش» (ترسیم شکل‌های هندسی)، «هندسه نظامی»، «پرسپکتیو» و «مناظر و مرایا» که با اشکال، اجسام، سطوح، اندازه و خط سروکار داشته‌اند، از واژه «نقاشی» و «صنعت نقاشی» استفاده می‌شد. روشن است که این معانی و برابرها را نمی‌توان بر مبنای گزارش‌های موجود از عصر ناصری، به هنر نقاشی از منظر هنرهای زیبا تعمیم داد. با بررسی اجمالی بر فعالیت‌های نخستین دوره مدرسه دارالفنون، کارکرد نقاشی را در دروس نظامی و غیرنظامی می‌توان چنین تشریح کرد:

- **نخست:** نقاشی به عنوان ابزاری کمک آموزشی در خدمت علم تشریح و آنالیز و کالبد شکافی در رشته پزشکی به شمار می‌رفت. برخی از معلمان نیز برای انتقال بهتر مفاهیم دروس خود از تصاویر و نقاشی‌ها بهره می‌گرفته‌اند.
 - **دوم:** نقاشی در دروس مهندسی به عنوان ابزاری کمک آموزشی برای درک و ترسیم مواردی مانند پلان، برش، نما، نقشه خوانی، نقشه کشی، مختصات، نور و انواع پرسپکتیو در دروس مربوط به استخراج معدن و قنات، قلعه سازی، پل سازی به کار می‌رفت. از این رو، محصلان ناگزیر می‌بایست با این علوم آشنا می‌شدند. برخی از این علوم امروزه با نام ترسیم فنی شناخته می‌شوند؛ حال آن که در نخستین دوره دارالفنون، به دلیل جنبه‌های ترسیمی کار، اغلب با عناوینی مانند نقاشی و صنعت نقاشی یاد می‌شد.
 - **سوم:** در دروس نظامی، نقاشی ابزاری کمک آموزشی و ترسیمی برای درک و اجرای انواع مشق و آرایش‌ها و نیز تاکتیک‌های نظامی بود. همچنین، برای نمایش انواع جراثیل، ادوات نظامی، اسلحه سازی، قورخانه، قلعه سازی، سنگر سازی و تشکیلات وابسته به توپخانه استفاده می‌شده است. از آن جا که رشته توپخانه به عنوان رشته‌ای مهندسی به شمار می‌رفت، کارکرد نقاشی در آن بیش از سایر رشته‌ها اهمیت داشت. به روشنی مشهود است که نقاشی در نخستین دوره تحصیلی مدرسه دارالفنون، نه به عنوان یک رشته مستقل هنری، بلکه ابزاری کمک آموزشی برای درک بهتر مسائل پزشکی، نظامی و مهندسی بوده است و بیشترین کارکرد آن را می‌توان در تصویرسازی کتب و رسالات آن زمان مشاهده نمود.
- البته ناگفته نماند که تصویرسازی کتب اگرچه امروزه به عنوان یکی از اسلوب‌های

چشم‌نواز نقاشی ایران در دوره قاجار شناخته می‌شود، اما کارکرد آن در کتب درسی مدرسه دارالفنون بیش از جنبه تزئینی و هنری، جنبه کمک‌آموزشی، علمی و ترسیمی داشته است. چنانچه یکی از برجسته‌ترین نقاشان چاپ سنگی ایران در آن زمان، یعنی علی‌قلی‌خان خوئی (فعال در بین سال‌های ۱۲۶۲-۱۲۷۲ق.) که در نخستین دوره تحصیلی مدرسه دارالفنون نیز با چاپ‌خانه‌های وابسته به آن مدرسه همکاری می‌کرد، به‌جای ترسیم تصاویر داستانی به ترسیم برخی از اشکال آموزشی کتب نظامی می‌پرداخت.



همچنین در همان دو دهه نخست تحصیلی مدرسه دارالفنون، تعدادی از شاگردان رشته‌های نظامی مانند محمدتقی مقدم‌مراغه‌ای، ذوالفقاریک محلاتی، محمدعلی یاورالنجدانی و بعدها میرزا رضاخان، محمدرضا مهندس (یاور اول توپ‌خانه)، احمدآقا سرهنگ (معلم پیاده‌نظام) و... حضور داشتند که اشکال، نقشه‌ها و ترسیم‌های کتب درسی را به‌صورت چاپ سنگی انجام می‌دادند؛ اما آثار آن‌ها را نمی‌توان در شمار آثار شاگردان نقاشی یا نقاشی به معنای زیبایی‌شناسانه و موزه‌ای به‌شمار آورد.

برای درک بهتر این موضوع، باید به ترسیمات هندسی یکی از شاگردان رشته مهندسی توپ‌خانه در نخستین دوره مدرسه دارالفنون، یعنی ذوالفقاریک محلاتی، اشاره کرد. این محصل بنابه نوشته روزنامه وقایع اتفاقیه در سال ۱۲۷۲ق. به مدرسه دارالفنون وارد شد^۱

۱. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۲۷۰، پنج‌شنبه ۲۷ رجب ۱۲۷۲ق، ص ۵.

و در تاریخ محرم ۱۲۷۵ ق. نشان مس قطعه را دریافت کرد. همین روزنامه، در همان زمان، درباره او چنین نوشته است:

«شاگردان علم توپخانه... ذوالفقار بیک محلاتی بسیار خوب کرده و در صنعت نقاشی هم مهارت دارد. صاحب نشان نبود و یک قطعه نشان مس مرحمت می‌شود و هیجده تومان بر دوازده تومان موجب سابقش افزوده شده، ده تومان هم انعام مرحمت می‌شود. اضافه‌موجب (هجده تومان)، انعام (ده تومان)، نشان مس قطعه.»^۱

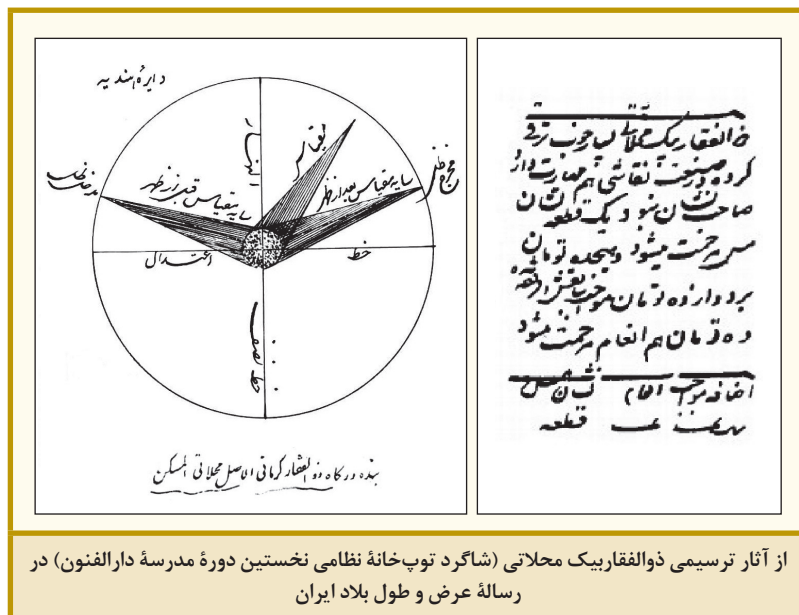
او در سال ۱۲۷۸ ق. از شاگردان مرتبه اول علم توپخانه بود که با دریافت نشان طلا و ده تومان اضافه‌موجب از مدرسه دارالفنون فارغ‌التحصیل شد^۲ و با عنوان ذوالفقار خان مهندس به خدمات دولتی گماشته شد. نخستین مأموریت او، اعزام به دولت عثمانی و ترسیم نقشه عرض راه بود که برای حسن انجام این مأموریت، یکصد تومان انعام و یک طاقه شال ترمه دریافت کرد.^۳

اگرچه گزارش‌های دولتی مندرج در روزنامه‌های دوره ناصری به تحصیلات او در زمینه مهندسی توپخانه اشاره داشته‌اند، اما فعالیت وی در زمینه صنعت نقاشی، اغراق‌آمیز به نظر می‌آید. زیرا آثاری که از او با عنوان نقاشی به دست ما رسیده، صرفاً ترسیم‌های هندسی است که در زمان تحصیل و تدریس^۴ و فعالیت‌های دولتی‌اش در دربار ناصری ترسیم کرده است. سه نمونه از ترسیم‌های او در رساله خطی عرض و طول بلاد ایران مضبوط است که امروزه به شماره (۱۹۵۶ ف) در مخزن کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌گردد. ذوالفقار بیک درباره فعالیت‌های ترسیمی خود در رساله مزبور چنین نوشته است:

«این بنده درگاه ذوالفقار کرمانی‌الاصل محلاتی‌المسکن پس از این که چندین سال در این مدرسه مبارکه به تحصیل علوم ریاضی (عموماً) و توپخانه و نقشه‌کشی (خصوصاً) پرداخت و از استادان بافضیلت کسب معارف و استحضارات شایسته نمود... و به خدمات دیوان عالی مشغول و مکرر بر تمام سرحدات دولت علیه خاصه کرمان و بلوچستان و سیستان و خراسان مأموریت به هم رسانیده و از تمام این نقاط، نقشه‌ها [ی] دقیقه مبسوطه برداشت... بعد از هر مأموریتی نقشه‌ها و استحضارات خود را در پیشگاه اولیای دولت عرضه نمود.»

بر مبنای نکات فوق و یادداشت‌های ذوالفقار بیک، باید گفت آنچه به عنوان مهارت او در صنعت نقاشی در روزنامه وقایع اتفاقیه یاد شده، تنها ترسیم‌های هندسی و نقشه‌کشی است که نام آن‌ها را نمی‌توان نقاشی اطلاق کرد.

۱. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۳۹۴، پنجشنبه ۹ محرم ۱۲۷۵ ق.، ص ۸.
۲. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۰۲، پنجشنبه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۲۷۸ ق.، ص ۳.
۳. «روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۰۲، پنجشنبه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۲۷۸ ق.، ص ۵» و «روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۱۹، پنجشنبه ۱۷ شوال ۱۲۷۸ ق.، ص ۵».
۴. بنابه نوشته روزنامه دولت علیه ایران (نمره ۶۰۸، پنجشنبه ۴ جمادی‌الثانی ۱۲۸۴ ق.، ص ۳) ذوالفقار خان سرهنگ همه روزه در خارج از میدان مشق تهران، به سربازان مهندس مشق و علم و عمل مهندسی [توپخانه] آموزش می‌داده است.



از سوی دیگر، در نخستین ادوار تحصیلی مدرسه دارالفنون، برخی از معلمان و نظامیان خارجی و داخلی مانند امیل دو هوسه، مسیو بوهلر، ادوارد پولاک، مسیو فلیمر، عبدالغفار نجم‌الدوله، میرزا ملکم‌خان و ... در آن مدرسه حضور داشتند که در هنر ترسیم و طراحی دستی داشتند؛ با این همه، آنان نقاشی را نه به معنای هنر زیبایی‌شناسانه، بلکه به عنوان ابزاری کمک آموزشی برای تدریس علوم و نمایش مفاهیم به کار می‌گرفتند.

آنچه تا حد زیادی مشهود است این است که مدرسه دارالفنون که در زمان میرزا آقاخان نوری دچار معضلات شدیدی بود، پس از انتصاب اعتضادالسلطنه به ریاست آن، به ثبات و پیشرفت‌های روزافزون دست یافت.

شاهزاده علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه (حدود ۱۲۳۴-۱۲۹۸ق.) از رجال تأثیرگذار ایران در دوره ناصری است که در تاریخ یکشنبه ۷ شعبان ۱۲۷۲ق. به لقب اعتضادالسلطنه، در تاریخ جمادی‌الاول ۱۲۷۴ق. به ریاست مدرسه دارالفنون، و در تاریخ پنج‌شنبه ۱۳ ذیحجه ۱۲۷۵ق. به منصب و مقام وزارت علوم نائل شد.

پس از تصدی اعتضادالسلطنه بر امور دارالفنون، به تدریج شاهد ایجاد تشکیلات مهمی در آن مدرسه هستیم. این تشکیلات که در سال‌های ۱۲۷۵ تا ۱۲۸۷ق. شکل گرفتند، عبارتند از: کارخانه‌های بلورسازی، کاغذسازی، شمعی و ریسمان‌ریسی در اطراف پایتخت، کتابخانه جدید بنای دارالفنون، مشورت‌خانه طب، صحافخانه، نجارخانه، دباغی و علاقه‌بندی، لابراتوار و آزمایشگاه شیمی (مخزن الجواهر)، تدریس عکاسی فرنگی، مطبعه، مریض‌خانه، تدریس تلگراف و نقاش‌خانه.



از نقاشی‌های منسوب به بوهلر (معلم هندسه و ریاضی و مهندسی) که در زمان تدریس در دارالفنون در یکی از کتب درسی نظامی ترسیم نموده است.

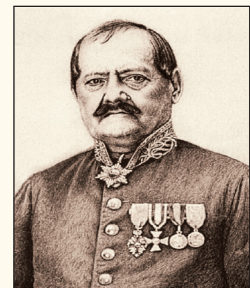
از سوی دیگر، در این دوره تعدادی از معلمان خارجی که در دوره نخست مدرسه دارالفنون حضور داشتند، یا وفات یافتند یا به کشورشان مراجعت کرده بودند. از این رو، دربار ناصری بر آن شد که برای ترویج و ارتقای علوم و صنایع در کشور، به استخدام تعدادی از متخصصان و معلمان اروپایی اقدام کند. بخشی از این تصمیمات، در روزنامه رسمی آن زمان، به این شرح منعکس شده است:

«چون همواره پیشنهاد خاطر خطیر اعلی حضرت قدر قدرت شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه، تربیت و ترقی اهالی دولت ابدمدت علیه است و اسباب تربیت و ترقی هر دولت در اول انتشار علوم مفیده و صنایع بدیعه بوده است؛ چنان خواستند که علوم و صنایع متداوله دول اروپا... در مقام اصلی و جای حقیقی خود دایر و منتشر گردد... مقرر داشتند متعلمین فاضل و استادان ماهر در همه علوم و صنایع از دول فرنگستان حاضر ساخته.»^۱ به دنبال دستور دربار ایران برای ترویج علوم و صنایع در ایران و جذب محصلان ایرانی و معلمان خارجی در دارالفنون، شماری از متخصصان اروپایی که برخی از آن‌ها در سایه جنگ‌های داخلی و خارجی کشورشان به سر می‌بردند، برای استخدام در دوائر لشکری و کشوری به ایران عازم شدند.

۱. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۴۵۶، پنجشنبه ۱۹ جمادی‌الاول ۱۲۷۶ ق، صص ۱-۳.

سرآغاز تأسیس رشته نقاشی در مدرسه دارالفنون و ترویج نقاشی کلاسیک و آکادمیک اروپایی در ایران، محصول اقدامات و صلاح‌اندیشی مسئولان کشور در نیمه دوم دهه ۱۲۷۰ ق. است که در طی چند مرحله به ثمر رسید.

● **مرحله نخست:** برخی از نقاشان خارجی برای توسعه نقاشی غربی و ترسیم تصاویر شاهانه در ابعاد بزرگ و به سبک اروپایی، به ایران دعوت شدند. از بین نقاشان شناخته‌شده در این دوره باید به یعقوب یا یاکوب اوانتانیان^۱ (۱۸۰۶-۱۸۸۱ م.) اشاره کرد که در اوج شهرت در سال ۱۲۷۵ ق. (۱۸۵۸ م.) از تفلیس به ایران آمد و چند تابلو از شاه، از جمله «ناصرالدین شاه سوار بر اسب» و «ناصرالدین شاه در کنار توپ جنگی»، ترسیم نمود. حضور این نقاش و سایر نقاشان خارجی در دربار ایران کمابیش باعث استقبال شاه و دربار از سبک نقاشی‌های اروپایی در ایران شد. همین امر خود در ایجاد رشته نقاشی در دارالفنون مؤثر واقع شد.^۲



تصویری از یاکوب اوانتانیان و نقاشی از وی با عنوان ناصرالدین شاه سوار بر اسب

1. Hakob Hovnatanyan = Akop Ovnatanyan

۲. ادوارد پولاک درباره این نقاش چنین نوشته است: «یک نقاش روسی دیگر هم که از اهالی قفقاز است به همین صورت در دربار مشغول است. بدین ترتیب نباید موجب شگفتی شود که تصاویر قدری بزرگ‌تر از آن‌چه در واقع هستند بر پرده نقاشی جلوه‌گر می‌شوند.» (پولاک، یاکوب ادوارد؛ ایران و ایرانیان (سفرنامه پولاک)، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱ خ، صص ۲۰۰-۲۰۱)

● **مرحله دوم:** اعزام حدود چهل‌ودو تن از محصلان ایرانی به فرانسه در تاریخ شعبان ۱۲۷۵ق. و انتخاب یکی دو تن از آن‌ها برای فراگیری هنر نقاشی و بازگشت آن‌ها به کشور، به ترویج این صنعت (به‌شیوه غربی) در ایران یاری رساند. در میان این محصلان، میرزایوسف نقاش و میرزااعلی‌اکبر (خان نقاش‌باشی و مزین‌الدوله سال‌های بعد) برای تحصیل رشته نقاشی در مدرسه هنرهای زیبای پاریس برگزیده شدند. میرزایوسف به‌دلیل بیماری و تخطی از قوانین در سال ۱۲۷۸ق. به ایران بازگردانده شد و چندی بعد نیز به‌دلیل بیماری صرع در اواخر سال ۱۲۸۰ق. در تهران درگذشت. اما میرزااعلی‌اکبر خان پس از بازگشت به ایران، به تدریس صنعت نقاشی در مدرسه دارالفنون (از سال ۱۲۸۸ تا ۱۳۱۴ق.) مشغول شد.

● **مرحله سوم:** پس از اعزام محصلان ایرانی به اروپا، مسئولان وزارت علوم درصدد استخدام معلمان خارجی برای برپایی و تدریس رشته نقاشی در دارالفنون برآمدند تا بستر نقاشی کلاسیک غربی در آن مدرسه فراهم شود. از میان معلمان خارجی، دو هنرمند با نام‌های جتارو گارجولو از ایتالیا و مسیو گُنستان از فرانسه در سال‌های ۱۲۷۶ق. و ۱۲۸۰ق. به ایران وارد شدند و برای تأسیس رشته نقاشی و نقاش‌خانه دارالفنون تلاش کردند.

● **مرحله چهارم:** هم‌زمان با ورود گارجولو به‌عنوان نخستین معلم نقاشی اروپایی در دارالفنون در سال ۱۲۷۶ق.، مسئولان وزارت علوم درصدد برآمدند که در کنار تدریس نقاشی غربی، آتلیه یا کارخانه‌ای نیز برای آموزش و چاپ تصاویر چاپ سنگی در پایتخت دایر کنند. این کارخانه از سوی میرزاابوالحسن‌خان غفاری صنایع‌الملک (حدود ۱۲۲۹-۱۲۸۳ق.) در تاریخ محرم ۱۲۷۷ق. در جنب عمارت دیوان‌خانه مبارکه تأسیس شد و بدین‌طریق، چاپ روزنامه مصور و آموزش تصویرسازی چاپ سنگی در ایران به‌صورت رسمی آغاز شد.^۱ گفتنی است این کارخانه مدتی پس از وفات صنایع‌الملک (۱۲۸۲-۱۲۸۳ق.) به درون مدرسه دارالفنون منتقل شد و میرزاعباس باسمه‌چی (وفات ۱۳۰۴ق.)، شاگرد برجسته صنایع‌الملک، به گرداندگی

۱. در این‌خصوص دو مدرک بدین‌قرار در دست است:

- **مدرک اول:** «چون میرزاابوالحسن‌خان نقاش‌باشی در فن نقاشی مهارت کامل حاصل کرده، لیاقت و قابلیت خود را در حضور مهرظهور همایون به درجه شهود و وضوح رسانده - خاصه در باسمة تصویر که از جمله فنون معظمه و امور معضله است مهارت دارد - رأی دارای جهان‌آرای همایون شاهنشاهی علاقه یافت که این فن بدیع شریف نیز در ایران معمول و زیاد شود.» (روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۴۷۲، مورخ ۲۸ محرم ۱۲۷۲ق.).

- **مدرک دوم:** «چون میرزاابوالحسن‌خان نقاش‌باشی از ابتدای عهد شهباب الی الان دقیقه‌ای از ذقایق ارادت و خدمتگزاری را مهممل و متروک نگذاشته است؛ از جمله بعد از احداث صنعت چاپ تصویر که از جانب سنی‌الجوانب اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه به رجوع خدمت طبع روزنامجات دولتی سرافراز آمد، در صورت دادن این خدمت نیز نهایت اهتمام و مراقبت به‌عمل آورده؛ چاپ تصویر را در این دولت متداول ساخت.» (روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۴۹۱، مورخ ۱۰ ذیقعدة ۱۲۷۷ق.)، ص ۳.

آن پرداخت. نکته مهمی که در اینجا الزامی است، این است که برخلاف نوشته برخی از محققان پیشین که معتقدند صنایع‌الملک در مدرسه دارالفنون به تدریس نقاشی می‌پرداخت و روی آموزش‌های نقاشی در دارالفنون تأثیر زیادی داشت، باید گفت که صنایع‌الملک هیچ‌وقت در مدرسه دارالفنون نقاشی تدریس نمی‌کرد و منطقاً نیز نمی‌توانسته است روی مواد درسی معلمان بعدی تأثیری گذاشته باشد.

● **مرحله پنجم:** مدتی پس از تأسیس رشته نقاشی در دارالفنون (۱۲۷۶ق.) و برکناری نخستین معلم خارجی آن مدرسه، یعنی گارجولو (حدود ۱۲۷۷ق.)، صنعت نقاشی تا حدودی به معرض تعلیق افتاد. در این هنگام، به دستور ناصرالدین‌شاه، در تاریخ ذیقعد ۱۲۷۷ق. مقرر شد که صنایع‌الملک مکتب نقاش‌خانه خود را در تهران تأسیس و شاگردانی نیز در این صنعت تربیت کند.^۱ مکتب نقاش‌خانه صنایع‌الملک سرانجام در تاریخ شوال ۱۲۷۸ق. در حوالی میدان ارگ تهران (جنب دیوان‌خانه مبارکه) افتتاح شد.^۲ اما مدت زیادی تداوم نداشت، زیرا صنایع‌الملک در

۱. «فرمان همایون به‌شرف نفاذ مقرون و امر قدر مقرر شد که نقاش‌خانه و چاپ‌خانه دولتی معین دارند که مشارالیه پرده‌ها و اسباب مرغوبه نقاشی را که از سفر ایتالیا به‌همراه خود آورده یا در این مدت جمع‌آوری نموده با اتباع روزنامه و کارخانه در آن‌جا برده شاگردان عدیده نیز در ین صنعت تربیت نمایند.» (روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۴۹۱، همان، ص ۳).

۲. در این خصوص سه مدرک بدین‌قرار در دست است:

- **مدرک اول:** «حسب‌الامر مقرر گردیده است صنایع‌الملک نقاش‌باشی خاصه، کارخانه باسمة تصویر و نقاش‌خانه دولتی ترتیب داده، در آن‌جا پرده‌های کار استادان معتبر کشیده و طبع نموده‌اند با سایر اسباب و اوضاع یک مکتب‌خانه نقاشی به‌طوری که در فرنگستان دیده بوده است و اسباب لازمه آن را حسب‌الحکم با خود آورده است ترتیب داده، به‌طوری که هر کس طالب آموختن این صنعت باشد به هیچ‌وجه نقصی در اسباب تحصیلش نباشد، بلکه سایر صاحب‌صنعت‌ها هم در هر طرح و هر کار که محتاج به نمونه و امتیاز سلیقه باشند معطل نباشند و هم‌چنین کارخانه باسمة تصویر را متداول نماید که همه روزه تصاویر مختلفه از کارخانه بیرون آید و این صنایع را رواج کامل بدهد؛ در این مدت مشغول انجام این خدمت بوده در ارگ سلطانی در جنب دیوان‌خانه مبارکه نقاش‌خانه و کارخانه را ترتیب داده است... و این اول نقاش‌خانه و کارخانه باسمة تصویر است که در دولت ایران حسب‌الامر معمول و متداول می‌گردد به‌طور و طرز فرنگستان.» (روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۱۸، پنج‌شنبه ۳ شوال ۱۲۷۸ق.).

- **مدرک دوم:** «ناصرالدین‌شاه [وقت عصر (دوشنبه ۲۱ شوال ۱۲۷۸ق.) که مراجعت می‌فرمودند، به نقاش‌خانه دولتی که صنایع‌الملک در عمارت دیوان‌خانه مبارکه به‌طور خوب و وضع مرغوب ترتیب داده است تشریف شریف همایونی ارزانی داشته، صنایع‌الملک هم پیشکش و قربانی و شیرینی مهیا نموده؛ مدتی سیاحت نقاش‌خانه و چاپ تصویر را فرموده زایدالوصف طرز و وضع نقاش‌خانه در نظر همایون مستحسن و مقبول افتاده اظهار مرحمت و عطوفت بسیار در حق صنایع‌الملک فرمودند.» (روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۲۰، یک‌شنبه ۲۸ شوال ۱۲۷۸ق.)، ص ۱.

- **مدرک سوم:** «این اوقات عمل ترتیب نقاش‌خانه از هر حیث پرداخته شده است، اعلان و اعلام می‌شود که از این تاریخ به بعد هر کس خواسته باشد طفل خود را به مکتب نقاش‌خانه ببرد، نقاش‌خانه دولتی باز است و صنایع‌الملک روزهای شنبه را خود به تعلیم شاگردان خواهد پرداخت و سایر ایام، شاگردان در همان نقاش‌خانه از روی پرده‌های کار استاد و صورت‌ها و باسمة‌های فرنگستان و غیره به مشق نقاشی و تحصیل این صنعت بدیع می‌پردازند.» (روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۲۰، همان، ص ۶).

آغاز دهه ۱۲۸۰ ق. به دلیل کار مداوم در زمینه چاپ سنگی و استفاده از مواد اسیدی دچار بیماری پوستی شد^۱ و چند ماه بعد نیز به طور ناگهانی درگذشت. این مرحله در روند رشته نقاشی مدرسه دارالفنون از این جهت مهم است که برخی از شاگردان گارجولو که تحصیلشان نیمه تمام و معلق مانده بود، برای ادامه آموزش‌های خود در نقاش خانه صنایع الملک کسب مهارت نمودند.

- **مرحله ششم:** با آغاز بیماری صنایع الملک در سال ۱۲۸۰ ق.، مسئولان وزارت علوم یک معلم فرانسوی به نام مسیو گنستان را استخدام کردند. وی به مدت هشت سال، از اوایل سال ۱۲۸۰ ق. تا نیمه نخست سال ۱۲۸۸ ق.، به عنوان معلم رشته نقاشی در مدرسه دارالفنون به تدریس پرداخت. مسیو گنستان در اواخر عمرش، به دلایل بیماری و احتمالاً انقضای قرارداد، از کار برکنار شد و در همان سال ۱۲۸۸ ق. در ایران وفات یافت.
- **مرحله هفتم:** با عزل و برکناری مسیو گنستان فرانسوی، گرسی رشته نقاشی مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۸۸ ق. مطلقاً به میرزا علی اکبرخان نقاش باشی (مزیّن الدوله در سال‌های بعد) واگذار شد و او به مدت بیست و شش سال، تا سال ۱۳۱۴ ق.، به تدریس صنعت نقاشی در آن مدرسه پرداخت.

بر خلاف دو نقاش خارجی قبلی (گارجولو و مسیو گنستان) که به صورت مقطعی و برای کسب معیشت به ایران وارد شده بودند، میرزا علی اکبرخان نقاش باشی در طی سال‌های تدریس خود در دارالفنون به وقایع نخستین جریان نقاشی آکادمیک در ایران را پی‌ریزی نمود. او شاگردان سرشناس زیادی را به جامعه نقاشی ایران تحویل داد و متدهای دوران تحصیلی خود در فرانسه را برای تاریخ نقاشی ایران به ارمان آورد و مهم‌تر از همه با پشتکار و دلسوزی و داشتن نیروی جوانی به آموزش نقاشی در کشور مشغول گردید.

با گذر از نحوه چگونگی شکل‌گیری رشته نقاشی در مدرسه دارالفنون، اکنون به معرفی نخستین معلم نقاشی خارجی در آن مدرسه می‌پردازیم.

■ جنارو گارجولو

پس از بازگشت فرخ‌خان امین‌الدوله از سفارت اروپا و تصدی منصب وزارت علوم به ریاست اعتضاد السلطنه در سال ۱۲۷۵ ق.، و همچنین به دستور دربار ناصری برای ترویج علوم و صنایع در ایران و جذب معلمان خارجی در دارالفنون (۱۲۷۶ ق.)، شماری از متخصصان اروپایی که همچنان در سایه جنگ‌های داخلی و خارجی کشورشان به سر می‌بردند، برای

۱. صنایع الملک به دلیل کار مداوم در چاپ سنگی و استفاده از اسیدهای مختلف در اواخر عمرش دچار بیماری پوستی و سودا شده بود و بدین جهت نزد میرزا ابوالفضل حکیم‌باش کاشی به معالجه می‌پرداخت. بنگرید به: «روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۸۷، پنج‌شنبه ۲۴ ذیحجه ۱۲۸۲ ق.».

یکی از معلمان که
دوران جنگ‌های
ایتالیا را پشت‌سر
نهاده بود،
جنارو گارجولو است

استخدام در دواير لشکری و کشوری ایران، عازم مشرق‌زمین شدند. یکی از این معلمان که دوران جنگ‌های ایتالیا را پشت‌سر نهاده بود، جنارو گارجولو، فرزند رافائل^۱، است که بنا به برخی از قرائن در حوالی سال ۱۸۲۵ م. (۱۲۴۱ ق.) متولد شده بود.^۲

گارجولو از هنرمندان اهل ناپل^۳ ایتالیا است که برای تدریس نقاشی در دومین دوره تحصیلی مدرسه دارالفنون (۱۲۷۵-۱۲۷۸ ق.) به ایران وارد شد. گفتنی است که ناپل در آن زمان، یک سرزمین مستقل با حاکمیت مجزا در جنوب ایتالیا بود که فرخ‌خان امین‌الدوله در سفارت خود در آن مملکت عهدنامه‌ای را در تاریخ محرم ۱۲۷۳ ق. منعقد ساخت.^۴

پس از تأسیس دارالفنون و استخدام دسته اول ایتالیایی‌ها در آن مدرسه (۱۲۶۸ ق.)، گارجولو به‌واقع در شمار دومین هیئت اعزامی ایتالیا به ایران است که درخواست وی در تاریخ دوشنبه ۱۹ دسامبر ۱۸۵۹ م. (۲۴ جمادی‌الاول ۱۲۷۶ ق. = ۲۸ آذر ۱۲۳۸ خ.) با موافقت دولت مرکزی ناپل صادر گردید.

خوشبختانه متن این درخواست در منابع ایتالیایی بدین‌قرار درج شده است: «حکمی که براساس آن به جناب آقای جنارو گارجولو اهل ناپل برای انجام خدمت در مدرسه نظامی ایران اجازه داده می‌شود. (ناپل ۱۹ دسامبر ۱۸۵۹ م.)

به لطف خدا و مهر فرانچسکوی دوم^۵ پادشاه سرزمین سیسیل^۶ و بیت‌المقدس^۷ و دوک پارما^۸ و... پیاجنترا^۹ کاسترو^{۱۰} و... نایب‌السلطنه بزرگ توسکانا^{۱۱} و غیره و غیره.

1. Raffaele

۲. در فهرست ثبت احوال شهر ناپل ایتالیا نام چند نفر به‌قرار جنارو گارجولو فرزند رافائل ثبت شده است که مشخصات آن‌ها بدین‌قرار ثبت شده است:

- جووانسی جوزپه جنارو گارجولو (Giovanni Giuseppe Gennaro Gargiulo) تاریخ تولد (۱۸۱۲/۰۱/۲۶ م.)، نام پدر رافائل گارجولو و نام مادر باربارا اسپوزیتو (Barbara Esposito).

- جنارو ریموندو فلیچه گارجولو (Gennaro Raimondo Felice Gargiulo) تاریخ تولد (۱۸۱۹/۰۲/۱۱ م.)، نام پدر رافائل گارجولو و نام مادر کیارا چیتادینی (Chiara Cittadini).

- جنارو جوزپه گارجولو (Gennaro Giuseppe Gargiulo) تاریخ تولد (۱۸۳۴/۰۵/۰۲ م.)، نام پدر رافائل گارجولو و نام مادر آنا اسکیوپا (Anna Schioppa).

تا دسترسی به اسناد بیش‌تر نمی‌توان هیچ‌کدام از این اشخاص را با جنارو گارجولوی مورد نظر ما انطباق داد.

3. Napoli

۴. اصفهانیان، کریم و قدرت‌الله روشنی زعفرانلو: مجموعه اسناد و مدارک فرخ‌خان امین‌الدوله، جلد ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۸ خ، ص ۳۹۵.

5. Francesco II

6. Sicilie

7. Gerusalemme

8. Duca di Parma

9. Piacenza

10. Castro

11. Toscana

پیرو ماده بیست و پنجم قانون مدنی؛ و مطابق با قانون هشتم مارس ۱۸۲۶م. مربوط به اتباع پادشاهی ما که قصد خدمت در قدرت‌های خارجی را دارند.

بنابه درخواست د. جنارو گارجولو اهل ناپل، که با اراده و اجازه‌ی اعلی‌حضرت پادشاهی ما خواستار خدمت و پوشیدن یونیفورم مخصوص استادی در مدرسه سلطنتی نظامی پادشاهی ایران در تهران را دارد؛ بدون آن که ملیت ناپلی خود را از دست بدهد؛ ایشان استدعای تجدیدنظر و پذیرفتن محبت‌آمیز این درخواست‌نامه را دارد.

به پیشنهاد رئیس وزارت ما و دبیرخانه سلطنتی دولت ابدایت و عدالت، این درخواست در مشورت‌خانه شورای نظامی دولت شنیده شد و در نهایت حکم نهایی با رفع ابهام و مطابق با موارد ذیل ابلاغ گردید:

ماده اول: به جناب گارجولو اهل ناپل فرزند رافائل اجازه می‌دهیم که به‌عنوان معلم آکادمی سلطنتی نظامی تهران و پوشیدن یونیفورم شغل مربوطه برای خدمت به ایران وارد شود و این مطابق با مقررات و قانون هشتم مارس ۱۸۲۶م. می‌باشد.

ماده دوم: رئیس وزارت ما و دبیرخانه سلطنتی دولت ابدایت و عدالت مسئولیت اجرای این حکم را برعهده می‌گیرد.^۱

بدین ترتیب گارجولو که ظاهراً پیش از این تاریخ با درخواست ورودش به ایران مخالفت شده بود، در زمستان ۱۸۵۹م. (زمستان ۱۲۳۸خ. برابر با جمادی‌الثانی تا رمضان ۱۲۷۶ق.) برای استخدام و تدریس در مدرسه دارالفنون عازم ایران گردید.

وی در این سفر با یکی از دوستان و همشهریان نظامی خود به نام سرهنگ پندتو باربارا^۲ (۱۸۲۵م. ناپل - ۱۷ آوریل ۱۸۶۵م. تهران) همراه بود.

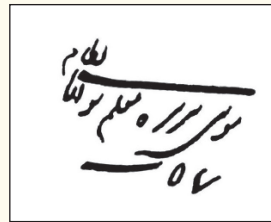
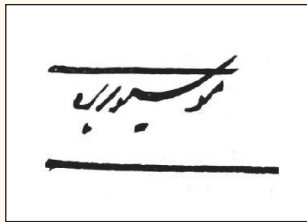
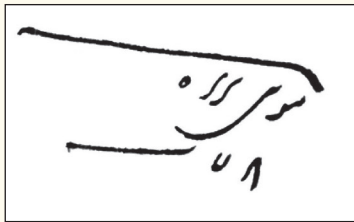
باربارا که در اسناد دوره ناصری از او با عنوان موسیو بریره یاد می‌شد، از قرار معلوم پیش‌تر در مأموریت فرخ‌خان امین‌الدوله به اروپا (۱۲۷۲-۱۲۷۵ق.) با سفرای ایرانی و ایتالیایی‌های مقیم ایران نظیر فوکتی^۳ آشنا شد و به‌عنوان افسر سواره‌نظام به استخدام دولت ایران درآمد.^۴

1. Collezione delle leggi e de' decreti reali del regno delle due Sicilie Anno 1859, Semestre I, Napoli: Dalla Stamperia Reale, 1859. pp. 340-341.

2 Benedetto Barbara

۳ Focchetti؛ از معلمان ایتالیایی در نخستین دوره مدرسه دارالفنون که به تدریس معادن و عکاسی و علوم طبیعی می‌پرداخت و چون از ارائه اطلاعات و علوم به محصلان طفره می‌رفت؛ لذا باعث نارضایتی مسئولان وزارت علوم ایران گردید و پس از موعود قراردادش از ایران خارج شد.

۴ در سندی از دربار ناصری در این خصوص چنین درج شده است: «ناصرالدین شاه به فرخ‌خان [امین‌الدوله غفاری] دستور داده بود که در فرانسه عده‌ای صاحب‌منصب برای تربیت سپاهیان ایران استخدام نماید و فرخ‌خان یازده تن را... استخدام کرد و با خود به ایران آورد.» (اصفهانیان، کریم: مجموعه اسناد و مدارک فرخ‌خان امین‌الدوله، جلد ۳، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۰خ، ص ۳۲۷).



سه سند از دفاتر اسناد بیوتات مبنی بر مواجب باربارا (موسیو بربره: معلم سواره نظام) در ایران

باربارا در اوایل قرارداد خود با دولت ایران برای انجام مرخصی به ناپل بازگشت و در سفری به رم در سال ۱۸۵۸م. (۱۲۷۵ق.) ازدواج کرد و همین امر باعث بازگشت دیر هنگام او برای خدمت به ایران شد.

گارجولو و باربارا در اواخر سال ۱۸۵۹م، عازم ایران شدند و دیری نگذشت که بین آنها مشاجراتی در گرفت که در نهایت به عواقب عجیبی انجامید.

گارجولو که قرار بود برای انجام خدمت در ایران به فعالیت بپردازد، پس از ورود به ایران به عنوان معلم نقاشی مدرسه دارالفنون استخدام شد. سندی از این موضوع در اسناد سر رشته ثبت سواد فرمان‌ها و صورت برات‌های دیوانی محفوظ در کتابخانه ملی ایران به دست آوردیم که بدین قرار است:

«به تاریخ قوی‌نیل ۱۲۷۶ق. چون از قرار فرمان جهان مطاع تدریس علم و عمل نقاشی مدرسه دارالفنون را به عهده کفایت مسیو کارجیلو از ایتالیا محول و واگذار فرمودیم که در تدریس و تعلیم و تعلم متعلمین آن صنعت به دقت تمام رسیدگی کند و لازم و ضرور است که عم اکرم کامکار اعضا دالسلطنه علی‌قلی میرزا وزیر علوم حسب المقرر شغل مزبور را به عهده عالی‌جاه مشارالیه متحمل داشته در عهده شناسد.»

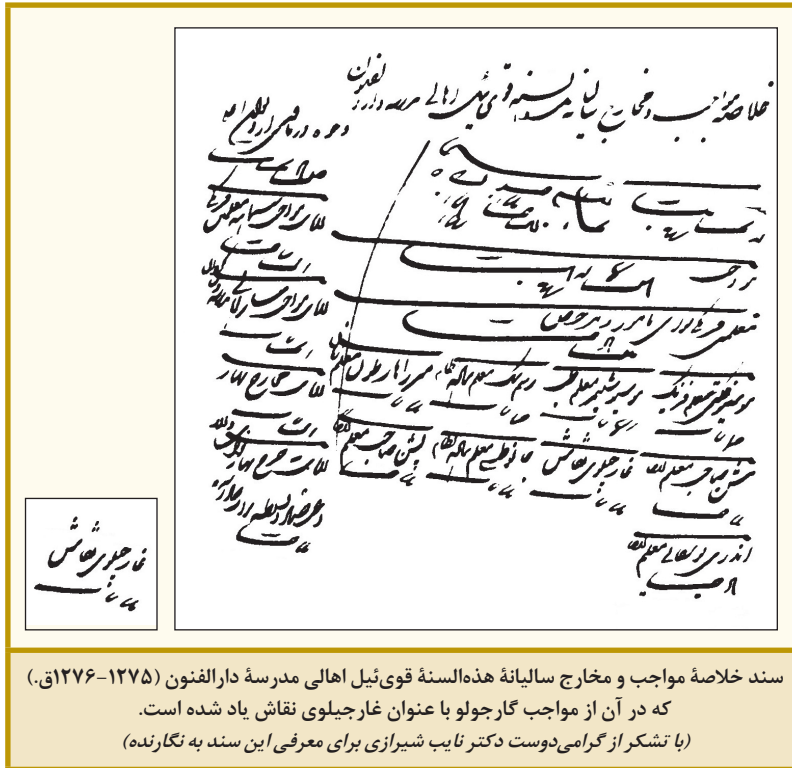
از گارجولو در منابع فارسی تاکنون چند مدرک دیگر پیدا کردیم. مدرک نخست مربوط به اسناد وزارت امور خارجه ایران است که از وی با عنوان گارزلیو یاد شده است.^۱ مدرک دوم در جلد دوم کتاب چاپ سنگی مرآت‌البلدان (۱۲۹۴ق. ص ۸۴) آمده که درباره او چنین نوشته است:

«مسیو گارزلیو ایتالیائی معلم نقاشی قدیم.»

(مسیو گارزلیو ایتالیائی معلم نقاشی)
قدیم

۱. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۱۰۷، شماره سند ۲۳۹، بدون تاریخ.

و مدرک سوم، سند تک برگي از خلاصهٔ مواجب و مخارج سالیانهٔ «هذه السنة قوی ثیل» اهالی مدرسهٔ دارالفنون است که در آن نام این نقاش «غارجیلوی نقاش» ثبت شده است.



بر مبنای سند مزبور، باید گفت که گارجولو در آغاز سال ۱۸۶۰م. مطابق با سنهٔ قوی ثیل (دوشنبه اول فروردین ۱۲۳۸خ. تا چهارشنبه اول فروردین ۱۲۳۹خ. برابر با ۱۶ شعبان ۱۲۷۵ق. تا ۲۸ شعبان ۱۲۷۶ق.) به استخدام دولت ایران درآمده و در مدرسهٔ دارالفنون به تدریس نقاشی مشغول بوده است.

در بین سال‌های ۱۸۶۰-۱۸۶۱م. (۱۲۷۶-۱۲۷۷ق.)، ظاهراً عکسی از گارجولو و مسیو طولوزان فرانسوی و تعدادی از صاحب‌منصبان انگلیسی در تهران گرفته شده است که نشان‌دهندهٔ فعالیت‌های وی در آن ایام در ایران است.^۱ گارجولو در همان ابتدای استخدام، بنا بر بند شمارهٔ نخست قراردادش با دولت ایران،

1. Piemontese, Angelo Michele: Apporti tecnici d'Italiani in Persia nel XIX secolo (La Persia Qajar Fotografi Italiani in Iran 1848-1864), Peliti Associati, 2011, p. 25.

از استاد عزیزم جناب محمدرضا طهماسب‌پور تشکر می‌کنم که این کتاب نفیس را با بزرگواری خود برای نگارنده ارسال نمودند.

برای چند سال تبعه دولت ایران شد. اما رفتارهای عجیب او به سرعت موجب عدم صلاحیت دیپلماتیک در رعایت قوانین مدنی گردید؛ از جمله، باید به اغوای همسر و مسموم کردن دوست خود، سرهنگ باربارا، اشاره کرد.

باربارا این ماجرا را به مقامات ایرانی گزارش داد و گارجولو برای پاسخگویی در خصوص این تعارض، به کاردار عثمانی احضار شد. خوش بختانه، اظهارات باربارا درباره گارجولو همچنان موجود است و بخشی از آن در مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران نگهداری می‌شود.^۱ گارجولو در اواخر سال ۱۸۶۰ و در اوایل سال ۱۸۶۱ م. (۱۲۷۷ ق.) از ایران اخراج و توسط نماینده ایتالیا در عثمانی محاکمه شد. او بنا به حکم صادره، به دو سال زندان محکوم شد و برای سپری کردن دوران محکومیت خود، در طی سال‌های ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۳ م. (۱۲۷۷-۱۲۷۹ ق.) به زندان مأموران فرانسوی فرستاده شد.^۲

در پی این اتفاقات، کاردار عثمانی در تهران به جهت جبران خساراتی که گارجولو در ایران به بار آورده بود، تمام اسباب و اثاثیه او را در تهران به معرض فروش گذاشت.^۳ وضعیت گارجولو در این دوره یادآور یکی از نخستین معلمان نظامی دارالفنون، یعنی زاتی اتریشی بود که در ذیحجه ۱۲۶۸ ق.، حرکات خلاف نظامی و رفتار ملامت‌پذیر از او در تهران ظاهر گردید. فریدون آدمیت درباره او چنین نوشته است: «زاتی مردی عصبی مزاج بود؛ به همین علت خلاقی از او سرزده بود که خواستند به خدمت او خاتمه دهند.»^۴ باین حال، وی در ایران ماند و پس از رفع سوء تفاهم نیز همچنان به تدریس ادامه داد تا اینکه سرانجام در تاریخ ربیع‌الثانی ۱۲۷۰ ق. در تهران درگذشت.

حتی وضعیت رفتاری بندتو باربارا که یک طرف درگیر در ماجرای گارجولو بود، نیز چندان خوشایند نبود. گفته می‌شود که او در شوال ۱۲۷۸ ق.، به دلیل تخطی و بی‌احساس مسئولیتی، از قشون و ممالک محروسه ایران اخراج شد؛ اما پس از دریافت این حکم، در سرطوله شاهی به بست‌نشینی پرداخت.^۵ او پس از کشمکش فراوان، سرانجام با حمایت سفیر بریتانیا در شرکت تلگراف هند و اروپایی در ایران به‌عنوان بازرس استخدام شد. آخرین شغل باربارا در ایران نیز دوام نیاورد و او در تاریخ ۱۷ آوریل ۱۸۶۵ م. (۲۱ ذیقعدۀ ۱۲۸۱ ق.) بر اثر تیفوس در تهران درگذشت و همسر و دخترش که هنوز ده ساله نشده بود در سوگ او نشستند.^۶

۱. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۱۰۷، شماره سند ۲۳۹، بدون تاریخ.

2. See to: (Piemontese, Angelo Michele: Apporti tecnici d'Italiani in Persia nel XIX secolo (La Persia Qajar Fotografi Italiani in Iran 1848-1864), Peliti Associati, 2011, p. 15) & (Piemontese, Angelo Michele: Lapidari di Militi e Civili Emigrati d'Italia in Persia, pp. 25-70; Quaderni di oriente moderno, anno VI (Medici, missionari, musicisti e militari italiani attivi in Persia impero ottomano ed Egitto), Rome: Istituto per l'oriente C.A. Nallino, 2008, pp. 41-42).

۳. در مرکز اسناد شهر ناپل ایتالیا سندی به‌شماره (۴۶۹۹) برگه (۷۳) مدرکی مبنی بر این موضوع موجود است.

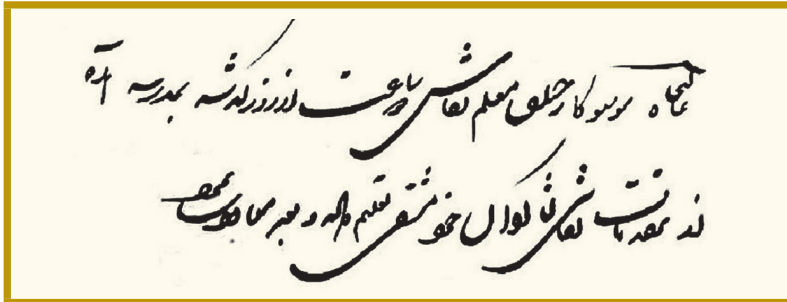
۴. آدمیت، فریدون: امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲ خ، ص ۳۴۴.

۵. مرکز اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۱۱، شماره سند ۳۴۴، مورخ ۲۱ شوال ۱۲۷۸ ق.

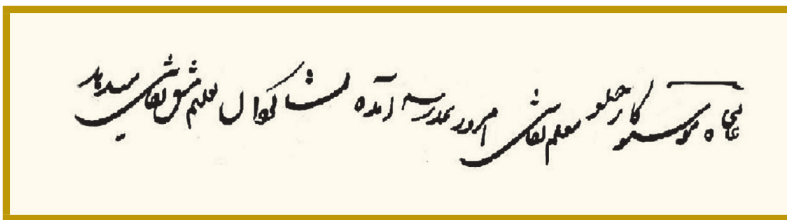
6. See to: Footnote 37.

در گزارش‌ها و روزنامه‌های خطی مدرسه دارالفنون، مطالبی درباره فعالیت‌های گارجولو ثبت شده است که از آن جمله باید به سه گزارش ذیل از سال ۱۲۷۶ ق. اشاره کرد.

- **گزارش اول:** «عالیجاه موسیو کارجیلو معلم نقاش دو ساعت از روز گذشته به مدرسه آمده از مقدمات نقاشی به شاگردان خود مشقی تعلیم داده و بعد معاودت نمود.»



- **گزارش دوم:** «عالیجاه موسیو کارجیلو معلم نقاشی امروز به مدرسه آمده به شاگردان تعلیم مشق نقاشی می‌دهد.»



- **گزارش سوم:** «موسیو کارجیلو معلم مشق نقاشی با قلم مداد صفحه‌ای طرح کرده به مدرسه آورده بود به ملاحظه سرکار نواب مستطاب اشرف والا اعتضادالسلطنه وزیر علوم رسانید.»

متأسفانه، از فعالیت‌های هنری و نحوه تدریس گارجولو در ایران تاکنون اطلاعات دیگری در دست نیست. حتی ایتالیایی‌هایی که در همان زمان به ایران سفر کرده بودند، به او اشاره‌ای نکردند. چنانچه میسونر لازاریست ایتالیایی یعنی جوزپه آناکلیو^۱ که در سال ۱۸۶۸ م. (۱۲۸۵ ق.) کتابی با عنوان توصیف ایران (گزارش یک سفر)^۲ نوشت، با وجود اشاره به افرادی مانند بندتو باربارا، هیچ اشاره‌ای به گارجولو نکرده است.

1. Giuseppe Anaclerio

2. La Persia descritta relazione di un viaggio, Napoli, 1868.



Nasr-ed-din Shah

از نقاشی‌های ایتالیایی‌های مقیم ایران که در صفحه نخست کتاب
جوزپه آنالریو درج شده است.

از اقدامات جالب جوزپه آنالریو در کتاب مزبور، انتشار یک طرح سیاه‌قلم از ناصرالدین‌شاه به سبک ایرانی - فرنگی است که شاید تا حدودی بیانگر سبک نقاشان و هنرمندان ایتالیایی در دهه ۱۲۷۰ق. در ایران باشد.

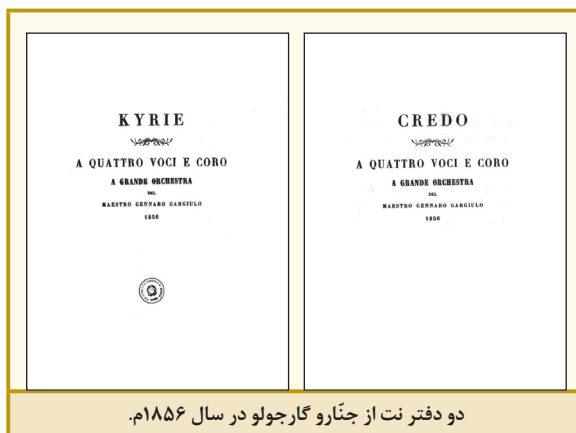
در منابع خارجی نیز پس از این سال‌ها، خبری از گارجولو در دست نیست؛ تا اینکه چند سال بعد، در کتاب گزارش‌های ایتالیایی مربوط به سال ۱۸۸۵م. (۱۳۰۲ق.)، به یک هنرمند ایتالیایی اهل ناپل با نام جتارو گارجولو اشاره شده است. در آن منابع آمده است که او در ناپل اقدام به تأسیس کارگاه مجسمه‌سازی کرده بود و همراه پسرش و ده نفر کارگر، به ساخت مجسمه‌ها و تندیس‌های تزئینی و کوچک از سفال می‌پرداختند. این مجسمه‌ها بر مبنای مضامین مردم‌شناختی جنوب ایتالیا، با لباس‌ها و تیپ‌های متنوع مردمان آن منطقه ساخته می‌شد و به کشورهای فرانسه، آلمان و انگلستان صادر می‌گردید. میزان استقبال از این مجسمه‌ها در آن زمان بسیار بالا بود، به‌طوری‌که حتی در دوره خودش، به جتارو گارجولو نشان مدال نقره اعطا شد.^۱ نمونه‌ای از این مجسمه‌ها، در تاریخ ۱۸ ژانویه ۲۰۰۵م. در حراجی بیتتر آنتیک در آمریکا^۲، به قیمت صد دلار فروخته شد.

1. Rapports des membres du jury International des recompenses, Tome II, Bruxelles, 1886, p.126.
2. Bittner Antiques



تصویری از یک مجسمه سفالی مربوط به دهه ۱۸۸۰م. / دهه ۱۳۰۰ق. ساخته جَنارو گارجولو اهل ناپل

اگرچه نمی‌توان یقین داشت که این هنرمند، همان گارجولوی مورد نظر ما باشد، ولی باید گفت که در دورانی که گارجولو در ایران فعالیت می‌کرده است، چند هنرمند هم‌نام اهل ناپل زندگی می‌کردند که در زمینه‌های مختلف هنری فعالیت داشتند. به عنوان نمونه، یکی از این هنرمندان، جَنارو گارجولو، موزیسین و آهنگ‌ساز ایتالیایی، بود که در دهه‌های ۱۸۵۰-۱۸۶۰م. چند دفتر نُت و پارتیتور منتشر کرده است.



دو دفتر نت از جَنارو گارجولو در سال ۱۸۵۶م.



تصویری از جنارو گارجولو؛ موزیسین و آهنگ‌ساز ایتالیایی
از آرشیو کتاب‌خانهٔ کاخ سلطنتی مادرید اسپانیا

از دیگر هنرمندان و صنعتگرانی که ممکن است با همان نام فعال بوده باشند، باید به جنارو گارجولوی خیاط از اهالی ناپل اشاره کرد. طبق اسناد موجود، در سال ۱۸۷۸م. (۱۲۹۵ق.)، او در سن پنجاه و پنج سالگی در زندان بود و در طی هشت ماه، دچار بیماری رماتیسم شدید، حملات قلبی و عوارض عصبی شامل مشکل در عصب چشم شده بود. علاوه بر این، در دفاتر اسناد وزارت امور خارجه ایران، به شمارهٔ (۱۴۳)، کتابچه‌ای مختصر تحت عنوان صورت اسامی فرنگی‌هایی که در شهر دارالخلافه مسکن دارند (ربیع‌الاول سال ۱۳۰۴ق.) نگهداری می‌شود. در این سند، اشاره‌ای کوتاه و مختصر شده است که می‌گوید: «همسر الجیو؛ شوهرش در ایتالیا محبوس است.»

متأسفانه، به دلیل تفاوت‌های نوشتاری و تلفظی در دوره ناصری، نام «گارجولو» با انواع تلفظ‌های گارجیلو و گارژیلو ثبت شده است و نام بالا نیز در رسم‌الخط، شباهت زیادی به آن‌ها دارد؛ بنابراین، در آینده امکان دارد بتوان پیوندی میان این اسامی پیدا کرد. به هر حال، گارجولوی نقاش که در زمان تدریس خود در مدرسهٔ دارالفنون فعالیت می‌کرد، چند شاگرد تربیت نمود که تحصیل آن‌ها نیمه‌تمام ماند.

روزنامهٔ دولت علیه ایران (نمرهٔ ۵۸۲، پنج‌شنبه ۲۱ رمضان ۱۲۸۲ق.) اسامی این شاگردان را به عنوان شاگردان قدیمی نقاشی در مدرسهٔ دارالفنون ذکر کرده است.

«میرزا جعفر [زنجان‌ی] ولد میرزا صادق خمسه، نشان مطلقه، اضافه موجب و انعام
میرزا اسمعیل [جلایر] ولد حاجی محمدزمان، نشان نقره قطعه اضافه موجب و انعام
میرزا علی اکبر [حجار]، انعام.»

۱. دربارهٔ وی بنگرید به مقالهٔ نگارنده با عنوان: علی اکبر حجار هنرمند صاحب‌سبک دارالفنون، فصل‌نامهٔ گنجینهٔ دارالفنون، سال ۷، شمارهٔ ۲۷، پاییز ۱۴۰۳خ، صص ۶۵-۵۱.

پس از رفتن گارجولو، وضعیت تحصیلی شاگردان او نیز تا حد زیادی دچار تعلیق شد. به نظر می‌رسد که میرزا جعفر زنجانی و میرزا علی اکبر حجار، برای مدتی در نقاش‌خانه صنایع‌الملک، که در شوال ۱۲۷۸ ق. تأسیس شد، به فراگیری سایر رشته‌های نقاشی مشغول شدند. همچنین، اسماعیل جلایر نیز برای مدتی به تحصیل طب در مدرسه دارالفنون پرداخت، چنان‌که در گزارش مراسم سلام مدرسه دارالفنون که در تاریخ سه‌شنبه ۹ ربیع‌الثانی ۱۲۷۸ ق. برگزار شد، چنین قید شده است:

«علم طب. متعلمین که هریک به‌قدر ترقی خود مورد مرحمت و عنایت گردیدند...

میرزا اسمعیل پسر حاجی محمدزمان خراسانی، برقراری مواجب دوازده تومان.»

گفتنی است که این سه هنرجو، با آمدن مسیو کنستانت، نقاش و تاجر فرانسوی، در سال ۱۲۸۰ ق. و با برقراری مجدد رشته نقاشی در دارالفنون، به‌عنوان شاگردان قدیمی به ادامه تحصیل پرداختند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. آدمیت، فریدون: امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲خ.
۲. آدمیت، فریدون: اندیشه ترقی و حکومت قانون، تهران: خوارزمی، چاپ دوم، ۱۳۵۶خ.
۳. اشرفالدین، احمد: تاریخ ریاضیات در ایران از عهد صفویه تا تأسیس مدرسه دارالفنون، مندرج در کتاب علوم محضه به کوشش دکتر مهدی محقق، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۴خ.
۴. اصفهانیان، کریم و قدرت‌الله روشنی زعفرانلو: مجموعه اسناد و مدارک فرخ‌خان امین‌الدوله، جلد ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۸خ.
۵. اصفهانیان، کریم: مجموعه اسناد و مدارک فرخ‌خان امین‌الدوله، جلد ۳، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۰خ.
۶. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان: مرآت‌البلدان، جلد ۲، چاپ سنگی، طهران: ۱۲۹۴ق.
۷. پورحسن، نیایش: تاریخچه آموزش هنر نقاشی در دارالفنون در دوره قاجار، فصل‌نامه گنجینه دارالفنون، سال ۳، شماره ۹، بهار ۱۳۹۹خ.
۸. پورحسن، نیایش: صمصام‌خان مصورالممالک نقاش و معلم فراموش شده مدرسه دارالفنون، فصل‌نامه گنجینه دارالفنون، سال ۱، شماره ۳-۴، زمستان ۱۳۹۷خ.
۹. پورحسن، نیایش: علی‌اکبر حجار هنرمند صاحب‌سبک دارالفنون، فصل‌نامه گنجینه دارالفنون، سال ۷، شماره ۲۷، پاییز ۱۴۰۳خ.
۱۰. پورحسن، نیایش: مسیو گنستان نخستین معلم نقاشی مدرسه دارالفنون، فصل‌نامه گنجینه دارالفنون، سال ۴، شماره ۱۳، بهار ۱۴۰۰خ.
۱۱. پورحسن، نیایش و سمیه شریفی‌نژاد: نقاشی؛ ابزاری علمی، کاربردی، هندسی و کمک‌آموزشی در نخستین دوره مدرسه دارالفنون، فصل‌نامه پوشه، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۴۰۴خ.
۱۲. پولک، یاکوب ادوارد: ایران و ایرانیان، ترجمه کیکووس جهاننداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸خ.
۱۳. ثواقب، جهان‌بخش: تاریخ‌نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ، شیراز: نوید، ۱۳۸۰خ.
۱۴. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۴۷۲، مورخ ۲۸ محرم ۱۲۷۲ق.
۱۵. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۴۹۱، مورخ ۱۰ ذی‌قعدة ۱۲۷۷ق.
۱۶. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۰۲، پنج‌شنبه ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۲۷۸ق.
۱۷. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۱۸، پنج‌شنبه ۳ شوال ۱۲۷۸ق.
۱۸. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۱۹، پنج‌شنبه ۱۷ شوال ۱۲۷۸ق.
۱۹. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۲۰، یک‌شنبه ۲۸ شوال ۱۲۷۸ق.
۲۰. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۵۸۷، پنج‌شنبه ۲۴ ذیحجه ۱۲۸۲ق.
۲۱. روزنامه دولت علیه ایران، نمره ۶۰۸، پنج‌شنبه ۴ جمادی‌الثانی ۱۲۸۴ق.
۲۲. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۴۸، پنج‌شنبه ۹ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ق.
۲۳. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۲۷۰، پنج‌شنبه ۲۷ رجب ۱۲۷۲ق.
۲۴. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۳۹۴، پنج‌شنبه ۹ محرم ۱۲۷۵ق.
۲۵. روزنامه وقایع اتفاقیه، نمره ۴۵۶، پنج‌شنبه ۱۹ جمادی‌الاول ۱۲۷۶ق.
۲۶. سند شماره (۲۳۹) در مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۱۰۷، بدون تاریخ.
۲۷. سند شماره (۳۴۴) در مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۱۱، مورخ ۲۱ شوال ۱۲۷۸ق.
۲۸. سند شماره (۱۲۲-۱۲۱) در مرکز اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۷۷، مورخ ۲ ذیحجه ۱۲۷۶ق.
۲۹. سند شماره (۱۷۳) در اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۱۰۷، صفر ۱۲۸۰ق.
۳۰. سندی به‌شماره (۴۶۹۹) برگه (۷۳) در مرکز اسناد شهر ناپل ایتالیا.
۳۱. مجله انجمن تاریخ، شماره ۱۰، مرداد ۱۳۵۲خ.
۳۲. همایون، غلام‌علی: اسناد مصور اروپاییان از ایران، جلد ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳خ.

منابع خارجی

1. Anaclerio, Giuseppe: La Persia descritta relazione di un viaggio, Napoli, 1868.
2. Collezione delle leggi e de' decreti reali del regno delle due Sicilie Anno 1859, Semestre I, Napoli: Dalla Stamperia Reale, 1859.
3. Palma, Giuseppe: Statistica Medico-chirurgica degl' infermi curati con le acque termo-minerali di gorgitello nell' ospizio del Vio Monte della Misericordia in Casamicciola nella state dwl' anno 1878, Napoli, 1878.
4. Piemontese, Angelo Michele: Apporti tecnici d'Italiani in Persia nel XIX secolo (La Persia Qajar Fotografi Italiani in Iran 1848-1864), Peliti Associati, 2011.
5. Piemontese, Angelo Michele: Lapidi di Militi e Civili Emigrati d'Italia in Persia, Quaderni di oriente moderno, anno VI (Medici, missionari, musicisti e militari italiani attivi in Persia impero ottomano ed Egitto), Rome: Istituto per l'oriente C.A. Nallino, 2008.
6. Rapports des membres du jury International des recompenses, Tome II, Bruxelles, 1886.